

فرایندهای خودشناسی و نظامهای پردازش خبر عقلانی و تجربه‌ای در ایران و امریکا

Self – Knowledge Processes and Rational and Experiential Information

Processing Systems in Iran and The United States

Nima Ghorbani, PhD

Tehran University

P. J. Watson, PhD

University of Tennessee
at Chattanooga

دکتر پی. جی. واتسن

دانشگاه تنسی در چاتانوگا

دکتر نیما قربانی

دانشگاه تهران

Abstract

Several constructs and measures of the processes of self-knowledge operate at different levels of integration and abstractness to facilitate and modulate self-regulating processes. Emotional intelligence and Alexithymia, as two constructs of reductionistic self-knowledge, contribute respectively to the existence and to the absence of emotional self-awareness. These two experiential and reflective components of self-knowledge provide a more holistic and integrative view of self-knowledge than the emotional intelligence and Alexithymia constructs do. Therefore, these two facets should positively correlate with all the dimensions of rational and experiential information processing systems. The data from Iran and the United States showed that these two facets of self-knowledge are positively associated with all components of the rational and experiential information processing systems. The Emotional intelligence and Alexithymia did not display such relationships. In both cultures, the two facets of self-knowledge also predicted some measures of mental health that are beyond the information processing systems. These results point toward the intertwined, dynamic, integrative, and temporal nature of self-knowledge processes and suggest a need for developing scales, which are more efficient in measuring these processes and in studying the similarities and differences in self-knowledge among cultures.

Key words : self - knowledge, information process, emotional intelligence, alexithymia.

Address for correspondence : Department of Psychology, Tehran University. e-mail: nghorbani@ut.ac.ir

چکیده

سازه‌ها و مقیاسهای متعدد در خصوص فرایندهای خودشناسی، به عنوان تسهیل‌گر و اصلاح‌کننده فرایندهای خود نظم‌دهی، از درجات انسجام و انتزاع متفاوتی برخوردارند. هوش هیجانی و ناگویی خلقی را می‌توان به ترتیب به منزله سازه‌های خودشناسی جزئی‌نگر در زمینه وجود و فقدان خودآگاهی هیجانی توصیف کرد. دو مؤلفه تجربه‌ای و تأملی خودشناسی سازه‌های هوش هیجانی و ناگویی خلقی در زمینه شناخت خود کلی‌نگرتر و منسجم‌تر هستند، پس باید با همه ابعاد نظامهای پردازش خبر عقلانی و تجربه‌ای ارتباط مثبت داشته باشند. یافته‌های پژوهش، در هر دو جامعه ایران و امریکا، نشان دادند دو وجه خودشناسی با همه مؤلفه‌های سیستمهای پردازش خبر تجربه‌ای و عقلانی به صورت مثبت مرتبط بودند، اما مؤلفه‌های سازه‌های هوش هیجانی و ناگویی خلقی چنین ارتباط جامعی را نشان ندادند. افزون بر این، دو وجه خودشناسی در هر دو جامعه ایران و امریکا توانستند متغیرهای سلامت روانی را در فراسوی نظامهای پردازش خبر عقلانی و تجربه‌ای پیش‌بینی کنند. یافته‌های پژوهش بر مبنای ماهیت در هم تنیده، پویایی، انسجامی و زمانمند فرایندهای خودشناسی، بر ضرورت طراحی مقیاسهای کارآمدتر و لزوم ارزیابی گسترده‌تر تفاوتها و شباهتهای بین فرهنگی در قلمرو خودشناسی صحه گذاشتند.

واژه‌های کلیدی : خودشناسی، پردازش خبر، هوش هیجانی، ناگویی خلقی.

مقدمه

شناخت مفهوم «خود» یکی از دغدغه های اصلی روانشناسان آکادمیک بوده است. رایبیز، نورم و چک (۱۹۹۹) در بررسی ارجاعات به «خود» بالغ بر ۱۵۳۰۰۰ مقاله را در ادبیات پژوهشی روانشناختی ردیابی کردند. در این بررسیها «خود» به عنوان اساس کنش‌وری بهینه شخصیت در نظر گرفته شده است زیرا «خود» نظم‌دهنده رفتار و تجربه انسانی است. مفهوم خود را که مفهومی بدیهی است می‌توان توصیف کرد اما ارائه تعریفی از آن آسان نیست. برای مثال، کلستروم و کلاین (۱۹۹۷) خود را به عنوان «تجسمهای ذهنی»^۱ فرد از «خود» توصیف می‌کنند. این عبارت از آنجایی که در دل خود مفهوم «خود» را دارد از لحاظ منطقی قابل دفاع نیست، اما یکی از توصیفهای قابل قبول در این خصوص است. آنچه در این توصیف قابل تأمل است، ماهیت شناختی این مفهوم است. «خود» یک تجسم ذهنی است و در مفهومی کلی و انتزاعی نوعی دانش است.

در چنین منظری خودشناسی در واقع یک شناخت عالی^۲ و فراسو^۳ قلمداد می‌شود زیرا موضوع این شناخت، خود نیز نوعی شناخت است. از این رو ورود به وادی خودشناسی در واقع نوعی شناخت‌شناسی، اما به شکلی فردی و تجربه‌ای است. به عبارتی دیگر، شناخت‌شناسی ژنتیک و فلسفی که به بررسی نظامدار فرایند شکل‌گیری شناخت عقلانی می‌پردازد دارای فرایندی فردی و روانشناختی است که هسته فرایندهای شخصیتی است و ماهیتی صرفاً عقلانی ندارد. چنین واقعیتی حکایت از این می‌کند که خودشناسی دارای سطوح نظامدار و شخصی است و این دو سطح در روانشناسی با یکدیگر همگرا می‌شوند (قربانی، قراملکی و واتسن، ۲۰۰۵ الف).

خودشناسی بر مبنای دیدگاه خود نظم‌دهی^۴ (هیگینز، ۱۹۹۶) کنش‌وری بی‌همتایی در بقا دارد زیرا در بین شناختهای ذخیره شده ما تنها موضوع شناختی است که فرد برای حفظ بقای خود باید به نظم‌دهی مداوم آن

بپردازد. بنابراین، هر اندازه خودشناسی بیشتر باشد سازش یافتگی روانی بیشتر است.

نگاه به خودشناسی به عنوان یک ساختار سازش یافته از تولد تحلیل روانی آغاز شد که در آن، «گونه بسیار خاصی از خودشناسی می‌تواند توانایی فرد در تصمیم‌گیری و حرکت به سوی تحقق خود را تقویت کند» (ارلو، ۱۹۹۵، ص ۱۶). هدف اصلی تمامی اشکال روان درمانگریهای پویایی قادر ساختن بیمار به «لمس احساسهای واقعی خود است» (قربانی، ۱۳۸۲). بیمار باید نسبت به شیوه‌ای که در آن از خود در برابر احساسهای زیربنایی خویش دفاع می‌کند و اضطرابی که وی را به چنین عملی وامی‌دارد، بینش یابد (دونلو، ۱۹۹۵). این مفروضه به دیگر نظامهای روان درمانگری نیز تسری پیدا کرده است (میدر و راجرز، ۱۹۸۴؛ موساک، ۱۹۹۵؛ می و یالوم، ۱۹۹۵؛ پرلز، ۱۹۶۹؛ ایس، ۱۹۹۵؛ اورهولسر، ۱۹۹۶).

مفهوم خودشناسی در نظریه‌ها و مفهوم سازیهای شخصیتی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در نظریه خود - نظم‌دهی شناختی شخصیت، خودشناسی به عنوان یک خصلت^۵ و حالت^۶ در نظر گرفته می‌شود که خبرهای لازم در چهارچوب یک نظام پس‌خوراندی را به «خود» ارایه می‌کند. این خبرها هدایتگر رفتار و یکی از عوامل تفاوت‌های فردی در کنش‌وری نظام خود نظم‌دهی است (کارور و سکایو، ۱۹۸۱). در نظریه شناختی - اجتماعی شخصیت نیز در کنار ظرفیتهای نمادسازی، تجربه جانیشینی^۷، آینده‌نگری^۸ و خود نظم‌دهی، خودشناسی به عنوان یک ظرفیت اختصاصی در انسان در مقابل مفهوم ظرفیت خود - تأملی^۹ در مد نظر قرار گرفته است (باندورا، ۱۹۹۹).

تلاش در جهت عملی‌سازی سنجش ساختارهای خود شناختی با ساخت مقیاس خود هشیاری^{۱۰} (فینگینشتاین، سکاس، و باس، ۱۹۷۵) آغاز شد. این مقیاس از سه مولفه خود هشیاری خصوصی^{۱۱}، عمومی^{۱۲} و اضطراب اجتماعی تشکیل شده است. خود هشیاری خصوصی به منزله

1. mental representations

2. higher - order

3. meta

4. self - regulation

5. disposition

6. state

7. vicarious

8. forethought

9. self - refelective

10. self - consciousness

11. private

12. public

فعالیت خودکار پاسخهای درونی و آشکار ناشی از طرحهای کنش و واکنش نامناسب با موقعیت پیش روی پیشگیری می‌کند و خودشناسی تأملی با بازنگری در تجربه گذشته، طرحهای کنش و واکنش جدید، سازش یافته‌تر، و پیچیده‌تر خلق می‌کند.

یافته‌های پژوهشی براساس مقیاس طراحی شده دو وجه خودشناسی نشان داده‌اند این مقیاس از دو عامل همبسته تشکیل شده است و تحلیل عوامل تأییدی^۱ در دو مطالعه مستقل بین فرهنگی در ایران و امریکا، وجود این دو عامل همبسته را نشان داده است. همبستگی بین آزمون - باز آزمون مقیاس در هر دو فرهنگ بالا بود و با سازه‌های مرتبط، همبستگی‌های قابل پیش‌بینی را نشان داد؛ نمره بالا در این مقیاس با ارزیابی ویژگی‌های رفتاری وابسته به خودشناسی در دگرسنجیها در هر دو فرهنگ همخوانی داشت و دو وجه خودشناسی به اندازه توانایی‌های تحصیلی سنجیده شده از طریق آزمون استاندارد شده کالج امریکا در پیش بینی عملکرد تحصیلی دانشجویان امریکایی توانمند بود (قربانی و دیگران، ۲۰۰۳).

بررسیهای دیگر نشان داده‌اند خودشناسی تجربه‌ای قدرت پیش‌بینی میزان ارتقای مدیران میانی در سازمانهای بخش خصوصی ایران را دارد (قربانی و واتسن، ۲۰۰۴)، این دو وجه خودشناسی در پیش‌بینی سلامت روانی در قیاس با پنج عامل بزرگ شخصیت دارای اعتبار افزایشی^{۱۰} است و فراتر از این عاملهای شخصیتی توان تبیین سلامت روانی را دارد (قربانی و واتسن، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵)، با سالمترین اشکال دینداری در ایران و امریکا همبسته است (واتسن، قربانی، دیویسن، بینگ، هود، قراملکی، ۲۰۰۲)، با تفکر سازنده مدیران ایرانی همخوانی مثبت دارد (قربانی، قراملکی و واتسن، ۲۰۰۵)، با هوش هیجانی مدیران ایرانی مرتبط است و در ارضای سه نیاز بنیادی روانی نقش دارد (قربانی و واتسن، ۲۰۰۵).

از آنجا که فرایندهای خودشناسی نوعی شناخت و پردازش خبر عالی است، نحوه ارتباط آن با نظامهای پردازش خبر، محور پژوهش حاضر است. بر اساس نظریه

گشودگی درون‌گرایانه^۱ نسبت به افکار و احساسهای خود است، اما خود هشیاری عمومی توجه به آن وجه از خود است که در معرض ارزیابی دیگران قرار دارد. اضطراب اجتماعی عاملی مستخرج از خود هشیاری عمومی است که بر مفهوم دلواپسی و تردید نسبت به ارزیابی دیگران از خود پوشش می‌دهد. این مقیاس به نحو گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است و از اعتبار میان فرهنگی برخوردار است (سیک، ۱۹۹۴؛ نایستد و اسماری، ۱۹۸۹؛ بریت، ۱۹۹۲)، اما شواهد نشان می‌دهند که خود هشیاری خصوصی از دو عامل آگاهی حالت‌های درونی^۲ و خود تأمل‌گری^۳ تشکیل شده است که به ترتیب با سلامت روانی و سازش نیافتگی مرتبطند و از همسانی درونی پایینی نیز برخوردارند (میتال، بلسبرامانیا، ۱۹۸۷؛ برن کرانت و پیچ، ۱۹۸۴؛ واتسن و بیدرمن، ۱۹۹۳، قربانی، واتسن، کراس، بینگ و دیویسن، ۲۰۰۴ الف؛ واتسن، هدریک، مک‌کنی، ۱۹۸۹). از این رو پژوهشها بر طراحی مقیاسهای کارآمدتری در سنجش خودشناسی تأکید کرده‌اند (بریت، ۱۹۹۲؛ قربانی و دیگران، ۲۰۰۴ الف).

در پاسخ به این مشکل مقیاس خود - هشیاری، قربانی، واتسن، بینگ، دیویسن و لیبرتن (۲۰۰۳ الف) با مفهوم‌سازی و ارائه مقیاس دو وجه خودشناسی سعی کردند صورتبندی روشنتر و سازش‌یافته‌تری از این سازه را بر اساس ملاکهای مناسبتر روانسنجی عملیاتی کنند. در این مفهوم‌سازی، خود شناسی یک فرایند روانشناختی سازش یافته، پویایی و انسجامی^۴ است که به شکل زمانمند^۵ عمل می‌کند، و از دو وجه تجربه‌ای^۶ و تأملی^۷ تشکیل شده است. خودشناسی تجربه‌ای پردازش خبر، پذیرای^۸ تغییرهای پویایی لحظه به لحظه و جاری خود است و امکان پردازش و تمایز بین محتوای تجارب جاری خود را برای فرد فراهم می‌کند. خودشناسی تأملی نیز پردازش خبر فعال از خود در خصوص تجربه گذشته است و به تحلیل تجربه گذشته از طریق پردازشهای شناختی عالی‌تر می‌پردازد. خودشناسی تجربه‌ای و تأملی به صورت درهم تنیده عمل می‌کنند. خودشناسی تجربه‌ای از

1. introspective openness	4. integrative	7. reflective	10. incremental validity
2. internal state awareness	5. temporal	8. respective	
3. self - reflectiveness	6. experiential	9. confirmatory	

و ابراز هیجانی همبستگی مثبت و با تفکر مقوله‌ای، بی‌اعتمادی به دیگران و عدم تحمل ابهام همخوانی منفی دارد.

از آنجا که خودشناسی یک فرایند سازش‌یافته، انسجامی، فراسو و عالی است، هر دو نظام پردازش خبر تجربه‌ای و عقلانی باید در آن دخیل باشند. از این رو، ارتباط بین فرایندهای خودشناسی و دو نظام پردازش خبر مسأله مورد بررسی پژوهش حاضر است. فرضیه تحقیق این است که ماهیت انسجامی، فراسو و سازش‌یافته خودشناسی سبب می‌شود که خودشناسی با هر دو نظام پردازش همبستگی مثبت داشته باشد و در پیش‌بینی سلامت روانی دارای اعتبار افزایشی نسبت به نظامهای پردازش خبر باشد.

مسأله دیگر پژوهش حاضر مقایسه درجه انسجام سازه‌ها و مقیاسهای متعدد مربوط به فرایندهای خود - شناسی بر اساس ارتباط آنها با هر دو نظام پردازش خبر است. اگرچه مقیاس دو وجه خودشناسی در پاسخ به مشکلات موجود در مقیاس خود - هشیاری و براساس یک روی آورد کل‌نگرانه^۲ صورتبندی شده است، تنها سازه و مقیاس موجود در سنجش فرایندهای خودشناختی نیست. ناگویی خُلقی^۳ و هوش هیجانی نیز از جمله سازه‌های خودشناختی با روی‌آوردی جزء نگرانه‌اند؛ ناگویی خُلقی، ناتوانی در شناخت تجارب هیجانی است که از دل ادبیات تحلیل روانی و در جهت تبیین روان پویایی اختلالهای روان - تنی متولد شده است (باگی، پارکر و تیلور، ۱۹۹۴). ناگویی خُلقی بر فقدان خودآگاهی هیجانی پوشش می‌دهد. در مقابل، هوش هیجانی براساس الگوی پردازش خبر توانایی - محور (قربانی، بینگ، واتسن، دیویسن، مک، ۲۰۰۲ الف) توانایی شناخت، پردازش و بازسازی احساسهایی است که درجه خود آگاهی هیجانی را می‌سنجد. دو سازه ناگویی خُلقی و هوش هیجانی از دو منظر سلبی و ایجابی، خودآگاهی غیرانسجامی را در بُعد احساسها و هیجانها مورد سنجش قرار می‌دهند. بر این اساس در این پژوهش، افزون بر سنجش دو وجه خودشناسی، نظامهای پردازش تجربه‌ای - عقلانی و سلامت روانی، مقیاس ناگویی خُلقی به عنوان سنجشی از

شناختی - تجربه‌ای «خود» (اپشتاین، ۱۹۹۸)، فرایند فهم انسانها محصول دو نوع نظام پردازش خبر متفاوت است: پردازش عقلانی و پردازش تجربه‌ای. نظام پردازش عقلانی یک نظام استنباطی است که بر اساس فهم فرد از قواعد استدلال مورد قبول یک فرهنگ عمل می‌کند. این نظام پردازش تحلیلی، عمدتاً کلامی، عاری از عاطفه، کند و هشیار است که تاریخ تکامل کوتاهی دارد. نظام پردازش تجربه‌ای نیمه هشیار (یا ناهشیار)، سریع، کلی، عمدتاً غیرکلامی و همخوان با هیجانهاست که تاریخ تکاملی دیرینه‌ای دارد. پژوهشگران مختلف شواهدی برای وجود دو شیوه پردازش خبر ارائه کرده‌اند، اما تنها نظریه شناختی تجربه‌ای خود است که سبکهای پردازش خبر را در چهارچوب یک نظریه کلی شخصیت جای داده است (اپشتاین، ۱۹۹۸).

بر اساس این نظریه، این دو حالت پردازش به شکل تعاملی، موازی و مستقل در رفتار عمل می‌کنند. در فرایند شکل‌دهی رفتار، هر یک از این دو نظام پردازش به میزانی در طیف تسلط کامل و یا فقدان تسلط در شکل‌دهی رفتار نقش دارند. در اغلب موارد، این دو سیستم به شکل متقارن عمل می‌کنند و از این رو به نظر می‌رسد که یک فرایند را تشکیل می‌دهند. اما در شرایط خاص، هنگامی که عقل و دل در معنای عرفی با یکدیگر متعارض می‌شوند، کیفیت متفاوت آنها آشکار می‌شود.

پاسین و اپشتاین (۱۹۹۹) با طراحی فهرست عقلانی - تجربه‌ای^۱ که از چهار زیر مقیاس توانایی عقلانی، گرایش عقلانی، توانایی تجربه‌ای و گرایش تجربه‌ای تشکیل شده است، تفاوت‌های بین افراد را در توانایی و گرایش به هر یک از دو نظام پردازش خبر به طور تجربی بررسی کردند. این یافته‌ها نشان دادند سبک عقلانی بیش از سبک تجربه‌ای با سازش‌یافتگی و توانایی مقابله‌ای و سبک تجربه‌ای بیش از سبک عقلانی با روابط بین شخصی خوشایند همبسته است. افزون بر این، سبک عقلانی با نیرومندی من، گشودگی به تجربه و وظیفه‌شناسی همبستگی مثبت و با نوزگرایی و محافظه‌کاری همبستگی منفی دارد. در مقابل، سبک تجربه‌ای با برون‌گرایی، همسازی

توسعه همگی می‌توانند کنش وری فرایندهای بنیادی روانی را تحت تأثیر قرار دهند (قربانی، واتسن، قراملکی، موریس، و هود، ۲۰۰۲ ب). از این رو، معنای بین فرهنگی این سازه‌ها و ارتباط آنها با یکدیگر از اهداف دیگر پژوهش حاضر بوده است.

روش

در این پژوهش دو نمونه دانشجویی ایرانی و امریکایی در دسترس مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه ایرانی متشکل از ۲۳۱ دانشجو (۱۱۵ مونث، ۱۱۶ مذکر) با میانگین سنی ۲۱/۹۹ و انحراف معیار ۲/۹۰، و نمونه امریکایی از ۲۲۰ دانشجو (۱۳۴ مونث و ۸۶ مذکر) با میانگین سنی ۲۰/۲۸ و انحراف معیار ۳/۸۳ بود.

مقیاسها در مجموعه‌ای یکسان به زبان فارسی و انگلیسی به آزمودنیها ارائه شدند. اعتبار ترجمه مقیاسها به فارسی از طریق ترجمه برگشت مورد ارزیابی قرار گرفت. این مقیاسها از همسانی درونی قابل قبولی در هر دو فرهنگ برخوردار بودند (جدول ۱).

فقدان خودشناسی هیجانی، و هوش هیجانی به عنوان سنجش دیگری از فرایندهای خودشناسی هیجانی به کار گرفته شد. پیش‌بینی مورد انتظار این است که دو وجه خودشناسی، به دلیل ماهیت انسجامی و فراسوی آن بیش از ناگویی خلقی و هوش هیجانی با هر دو نظام پردازش خبر مرتبط باشد.

از آنجا که عوامل فرهنگی بر فرایندهای بنیادی روانشناختی (خودشناسی و پردازش خبر) تأثیر می‌گذارند، برای بررسی اثر عوامل فرهنگی، این پژوهش در جامعه ایران و امریکا صورت گرفت. با توجه به تفاوت‌های موجود در دو فرهنگ (قربانی، بینگ، واتسن، دیوسن، ولی یوتون، ۲۰۰۳؛ قربانی، واتسن، کراس، بینگ، دیوسن، ۲۰۰۴ ب)، شباهتها و تمایزهای مشاهده شده این فرایندهای بنیادی روانشناختی در ایران و امریکا جنبه‌های فرهنگ وابسته این فرایندها را نیز آشکار خواهد ساخت. گرایشهای دینی بالا در هر دو جامعه، فرهنگ فردگرا و لیبرال دمکراتیک امریکا در مقابل فرهنگ جمع‌گرا و سنتی ایران و همچنین پیشرفت اقتصادی - اجتماعی جامعه امریکا در برابر ایران به عنوان یک جامعه در حال

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و آلفای متغیرها در ایران و امریکا

امریکا		ایران		متغیرها		
ضریب آلفا	انحراف معیار	میانگین	ضریب آلفا	انحراف معیار	میانگین	
۰/۸۶	۰/۵۹	۱/۶۵	۰/۸۱	۰/۷۰	۱/۷۸	اضطراب
۰/۹۱	۰/۶۵	۰/۶۹	۰/۸۸	۰/۷۵	۱/۴۶	افسردگی
۰/۸۶	۰/۶۸	۳/۱۶	۰/۸۰	۰/۷۷	۲/۴۶	حرمت خود
۰/۸۳	۰/۶۹	۲/۵۳	۰/۸۱	۰/۷۹	۲/۴۸	خودشناسی تجربه‌ای
۰/۷۹	۰/۷۵	۲/۵۱	۰/۷۹	۰/۸۰	۲/۵۰	خودشناسی تاملی
۰/۸۲	۰/۸۳	۱/۲۵	۰/۷۴	۰/۷۷	۱/۵۹	مشکل شناسایی احساسات
۰/۷۷	۰/۹۱	۱/۷۲	۰/۶۱	۰/۷۸	۱/۸۶	مشکل توصیف احساسات
۰/۶۳	۰/۶۰	۱/۳۱	۰/۵۷	۰/۵۹	۱/۵۷	اندیشه معطوف به برون
۰/۸۳	۰/۵۵	۲/۹۸	۰/۶۳	۰/۴۹	۲/۳۶	توجه هیجانی
۰/۸۴	۰/۶۳	۲/۷۰	۰/۷۳	۰/۵۷	۲/۲۹	تمایز هیجانی
۰/۷۵	۰/۷۲	۲/۷۷	۰/۶۶	۰/۷۲	۲/۴۲	بازسازی هیجانی
۰/۷۰	۰/۷۴	۲/۴۹	۰/۶۰	۰/۷۰	۲/۴۸	توانایی عقلی
۰/۷۱	۰/۷۰	۲/۵۰	۰/۶۴	۰/۶۹	۲/۵۱	گرایش عقلی
۰/۷۴	۰/۷۳	۲/۵۲	۰/۷۰	۰/۷۵	۲/۵۴	توانایی تجربه‌ای
۰/۷۹	۰/۷۳	۲/۵۳	۰/۷۰	۰/۷۴	۲/۵۳	گرایش تجربه‌ای

پنج گزینه استاندارد موافقت و مخالفت در پاسخگویی است.

تمامی مقیاسها با ترتیب و دستورنامه یکسان و در کلاسهای معمول دوره کارشناسی با میانگین ۳۰ دانشجو در دو نمونه اجرا شدند.

پس از محاسبه ضرایب آلفای مقیاسها، داده‌ها با استفاده از همبستگی و رگرسیون چند متغیره مورد تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

یافته‌های منعکس شده در جدول ۱ نشان می‌دهند افسردگی و اضطراب در نمونه ایرانی نسبت به نمونه امریکایی بیشتر و حرمت خود در نمونه ایرانی پایینتر است. در خصوص نظامهای پردازش خبر، میانگینهای دو نمونه تفاوتی را نشان نمی‌دهند. در مقابل میانگینهای متغیرهای خودشناختی هیجانی (ناگویی خلقی و هوش هیجانی) در نمونه ایرانی پایینتر از نمونه امریکایی است، اما در خصوص دو وجه خودشناسی تجربه‌ای و تأملی تفاوت چندانی بین دو نمونه مشاهده نمی‌شود.

همانگونه که در جدول ۲ و ۳ مشخص است، هر سه مقیاس فرایندهای خودشناسی در دو فرهنگ به نحو مورد پیش‌بینی با متغیرهای سلامت روانی همبسته بودند. نظامهای پردازش خبر نیز با متغیرهای سلامت روانی همبستگی داشتند. آنچه در این همبستگیها شایان توجه است، ارتباط دو وجه خودشناسی با هر چهار زیر مجموعه مقیاسهای نظامهای پردازش خبر است. اما مقیاسهای ناگویی خلقی و هوش هیجانی با همه ابعاد نظامهای پردازش خبر ارتباط نداشتند و این ارتباطها نیز به قوت ارتباط دو وجه خودشناسی نبود. این سبک ارتباط در هر دو جامعه ایران و امریکا به همین شکل بود.

تحلیل رگرسیون اعتبار افزایشی دو وجه خودشناسی در پیش‌بینی سلامت روانی را تأیید کرد. در نمونه ایرانی پس از ورود نظامهای پردازش تجربه‌ای و عقلانی در تحلیل رگرسیون چندگانه جهت تبیین افسردگی، ضریب

متغیرهای سلامت روانی در این پژوهش عبارت بودند از اضطراب، افسردگی، حرمت خود^۱. مقیاسهای اضطراب و افسردگی (کاستلو و کومری، ۱۹۶۷) دارای ۲۳ ماده است که براساس مقیاس استاندارد ۵ درجه‌ای به سنجش اضطراب و افسردگی خصیصه‌ای^۲ می‌پردازد. آزمون حرمت خود (روزنبرگ، ۱۹۶۵) ۱۰ ماده دارد و در یک مقیاس پنج درجه‌ای به عنوان شاخص دیگری از سلامت روانی به کار گرفته شد.

فرایندهای خودشناسی براساس سه مقیاس زیر سنجیده شدند: مقیاس دو وجه خودشناسی (قربانی و دیگران، ۲۰۰۳) دارای ۲۶ ماده است که خودشناسی تجربه‌ای و تأملی را در یک مقیاس پنج درجه‌ای ارزشیابی می‌کند. افزون بر این، دو مقیاس ناگویی خلقی و هوش هیجانی ادراک شده^۳ نیز به عنوان متغیرهای دیگری از وجود یا عدم وجود فرایندهای خودشناسی جزئی و هیجانی به کار گرفته شدند. مقیاس ناگویی خلقی تورنتو^۴ (باگی و دیگران، ۱۹۹۴) با ۲۰ ماده به سنجش مشکل در شناسایی احساسها^۵، مشکل در توصیف احساسها^۶ و اندیشه معطوف به بیرون^۷ می‌پردازد. نمره بالا در این مقیاس حاکی از فقدان خودشناسی در بُعد احساسهاست. فرم کوتاه، مقیاس رگه فراخلق^۸، از ۳۰ ماده تشکیل شده است که سه مؤلفه هوش هیجانی - توجه هیجانی، تمایز هیجانی و بازسازی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند (قربانی و دیگران، ۲۰۰۲ الف؛ سالوی، میبر، گلدمن، تروی و پالفی، ۱۹۹۵). دو مقیاس اخیر هر یک فقدان و حضور فرایندهای خودشناسی در بعد احساسها را می‌سنجند.

پرسشنامه عقلانی - تجربه‌ای^۹ (پاسین و اپشتاین، ۱۹۹۹) با چهار زیر مجموعه و ۴۰ ماده به سنجش تفاوت‌های فردی در نظامهای پردازش خبر تجربه‌ای و عقلانی می‌پردازد. زیر مقیاس توانایی عقلانی، سطح بالایی از تفکر منطقی و تحلیلی و زیر مقیاس گرایش عقلانی، اعتماد و لذت بردن از اندیشه به شیوه تحلیلی - منطقی را می‌سنجد. زیر مقیاس توانایی تجربه‌ای، سطح بالایی از قدرت برداشتهای شهودی و احساسها و زیر مقیاس گرایش تجربه‌ای، اعتماد و لذت بردن از تکیه بر احساسها و شهود در تصمیم‌گیری را ارزیابی می‌کند. این مقیاس نیز دارای

1. self - esteem

2. dispositional

3. perceived emotional scale

4. Toronto alexithymia

5. difficulty in identity feelings

6. difficulty in describing feelings

7. externally - oriented thinking

8. traitmeta - mood scale

9. rational - experiential

جدول ۲: همبستگی متغیرها در نمونه آمریکایی

	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱ اضطراب																*
۲ افسردگی																۰/۴۷**
۳ حرمت خود																۰/۴۹**
۴ خودشناسی تجربه‌ای																۰/۲۷**
۵ خودشناسی تأملی																۰/۰۹
۶ مشکل شناسایی احساسها																۰/۰۸
۷ مشکل توصیف احساسها																۰/۳۴**
۸ اندیشه معطوف به برون																۰/۲۲**
۹ توجه هیجانی																۰/۰۱
۱۰ تمایز هیجانی																۰/۳۰**
۱۱ بازسازی هیجانی																۰/۲۸**
۱۲ توانایی عقلی																۰/۲۱**
۱۳ گرایش عقلی																۰/۱۷**
۱۴ توانایی تجربه‌ای																۰/۱۷**
۱۵ گرایش تجربه‌ای																۰/۰۴

* P < ۰/۰۵

** P < ۰/۰۰۱

جدول ۳: همبستگی متغیرها در نمونه ایرانی

	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱ اضطراب																*
۲ افسردگی																*
۳ حرمت خود																*
۴ خودشناسی تجربه‌ای																*
۵ خودشناسی تأملی																*
۶ مشکل شناسایی احساسها																*
۷ مشکل توصیف احساسها																*
۸ اندیشه معطوف به برون																*
۹ توجه هیجانی																*
۱۰ تمایز هیجانی																*
۱۱ بازسازی هیجانی																*
۱۲ توانایی عقلی																*
۱۳ گرایش عقلی																*
۱۴ توانایی تجربه‌ای																*
۱۵ گرایش تجربه‌ای																*

* P < ۰/۰۵

** P < ۰/۰۰۱

دو وجه خودشناسی نسبت به نظامهای پردازش در پیش بینی سلامت روانی.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهند وضعیت سلامت روانی دانشجویان ایرانی نسبت به دانشجویان امریکایی پایینتر است. همچنین، در زمینه فرایندهای خودشناختی نیز نمره‌های دانشجویان ایرانی اندکی پایینتر از دانشجویان امریکایی است، اما در خصوص نظامهای پردازش خبر تفاوت چندانی در دو فرهنگ مشاهده نمی‌شود. این یافته‌ها نشان می‌دهند نظامهای پردازش خبر کمتر تحت تأثیر شرایط اجتماعی قرار می‌گیرند، اما فرایندهای خودشناختی و سلامت روانی چنین ماهیتی ندارند. سلامت روانی تابع شرایط اقتصادی - اجتماعی است (واتسن و دیگران، ۲۰۰۲) و فرایندهای خودشناختی نیز به تبع عوامل فرهنگی تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

تأثیرپذیری شدید خودشناسی از فرهنگ با یافته‌های گاردنر (۱۹۹۶) در خصوص هوش شخصی همخوان است. براساس نظر گاردنر، نظام نمادگذاری هوش درون شخصی^۱ و بین شخصی^۲، در میان هوشهای مختلف، بیشترین تأثیر را از فرهنگ می‌پذیرد. به نظر می‌رسد فرهنگهای فردگرا حساسیت درون روانشناختی را بیش از فرهنگهای جمع‌گرا تقویت می‌کنند و همین امر سبب تقویت بیشتر فرایندهای خودشناختی در جوامع فرد - گرا مانند امریکا می‌شود. از سوی دیگر، بازدارنده‌های احساسهای درونی از مشخصه‌های جوامع جمع‌گرا است (قربانی و دیگران، ۲۰۰۳) و همین امر نیز، با توجه به بنیادهای سنتی جمع‌گرا در ایران، در پایین‌تر بودن خودشناسی در نمونه ایرانی قابل تأمل است. آنچه در این خصوص شایان توجه است تأکید بر تمایز فرونشانی^۳ و سرکوبی^۴ احساسها در آموزش خود مهارگری است که در جوامع جمع‌گرا مانند ایران چندان به آن توجه نمی‌شود. این امر بی‌تردید در پایین بودن سازش‌یافتگی نمونه ایرانی، در کنار عوامل تبیین‌کننده دیگر، بی‌تأثیر نیست.

فرایندهای خودشناختی مورد سنجش در این پژوهش با سلامت روانی در هر دو نمونه همبستگی داشتند. این

تعیین معناداری در گام دوم هنگامی که دو وجه خود - شناسی وارد معادله شدند مشاهده شد $\{P < .001\}$ و $F = 6.00$ و $\Delta R^2 = 0.04$. در این تحلیل، تنها خودشناسی تجربه‌ای ($P < .01$ و $\beta = -0.38$) و نه خودشناسی تأملی ($P < .99$ و $\beta = -0.01$) قادر به پیش بینی معنادار افسردگی فراسوی نظامهای پردازش خبر بود. در تحلیل رگرسیون حرمت خود نیز دو وجه خودشناسی پس از نظامهای پردازش خبر قادر به تبیین رابطه بود $\{P < .001, F = 8.43, \Delta R^2 = 0.05\}$. این بار نیز خودشناسی تجربه‌ای ($P < .001$ و $\beta = 0.27$) و نه تأملی ($P < .84$ و $\beta = 0.02$) قادر به پیش بینی حرمت خود فراسوی نظامهای پردازش خبر تجربه‌ای و عقلانی در نمونه ایرانی بود. اما در پیش‌بینی اضطراب، دو وجه خودشناسی قادر به تبیین متغیر سلامت روانی فراسوی نظامهای پردازش خبر در نمونه ایرانی نبود.

در نمونه امریکایی، دو وجه خودشناسی اعتبار افزایشی فراسوی نظامهای پردازش خبر در پیش‌بینی افسردگی را نشان نداد، اما در پیش‌بینی اضطراب دارای اعتبار افزایشی بود $\{P < .01, F = 5.31, \Delta R^2 = 0.04\}$. این بار خودشناسی تأملی ($P < .001$ و $\beta = 0.26$) و نه تجربه‌ای ($P < .10$ و $\beta = 0.12$) قادر به تبیین اضطراب فراسوی نظامهای پردازش خبر بود. در پیش‌بینی حرمت خود نیز اعتبار افزایشی مشاهده شد $\{P < .000, F = 9.51, \Delta R^2 = 0.07\}$. در اینجا خودشناسی تجربه‌ای ($P < .000$)، $\beta = 0.28$ و تأملی ($P < .001$ و $\beta = 0.12$) هر دو دارای اعتبار افزایشی نسبت به نظامهای پردازش خبر در پیش‌بینی حرمت خود در نمونه امریکایی بودند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش از چهار محور قابل تأمل‌اند. نخست، پایین‌تر بودن سلامت روانی و خودشناسی در نمونه ایرانی، دوم عدم تفاوت نمره‌های دو نمونه در خصوص نظامهای پردازش خبر، سوم همبستگی وجوه خودشناسی و پردازش خبر با سلامت روانی و چهارم اعتبار افزایشی

1. intrapersonal
3. supression

2. interpersonal
4. repression

این رو، تفاوت مشاهده شده تصادفی و ناشی از همخوانی فزاینده این دو وجه باشد. تکرار این مطالعه با مقیاسهای همگن تر خودشناسی در وجوه یاد شده، این امر را روشن خواهد ساخت.

ارتباط هر دو وجه خودشناسی با هر دو نظام پردازش خبر، بر انسجامی و پویایی بودن فرایند خودشناسی صحنه می‌گذارد زیرا اگر خودشناسی کنش‌وری توحید یافته داشته باشد، باید هر دو نظام پردازش خبر را در پردازشهای خود به کار گیرد و کنش‌وری آن فراتر از صرف ترکیب دو نظام تجربه‌ای و عقلانی باشد. همبستگی دو وجه خودشناسی با هر دو نظام پردازش و نیز توان پیش‌بینی سلامت روانی در فراسوی نظامهای پردازش خبر، دال بر تأیید فرض یاد شده است. اما بر اساس فرض پژوهش حاضر، خودشناسی علاوه بر یک فرایند پویایی و انسجامی، ماهیتی سازش یافته نیز دارد. یافته‌های این پژوهش بر ارتباط دو وجه خودشناسی با سلامت روانی صحنه گذاشته‌اند، اما همانگونه که اشاره شد، این ارتباط به اندازه قدرت ارتباط هوش هیجانی و ناگویی خلقی، به عنوان فرایندهای جزئی و خاص خودشناختی، با سلامت روانی نیست.

در پیش‌بینی متغیرهای سلامت روانی، دو وجه خودشناسی نسبت به هوش هیجانی و ناگویی خلقی نه تنها برتری خاصی را نشان نمی‌دهند، بلکه در هر دو نمونه، توان پیش‌بینی آنها در مواد برخی از متغیرها مانند اضطراب، مؤلفه تمایز هیجانی از هوش هیجانی و تمامی مؤلفه‌های ناگویی خلقی کمتر است. از این رو، اگرچه دو وجه خودشناسی فرایندهای عالیتر و کلی‌تر را می‌سنجد، نسبت به خودشناسیهای خاص توانایی بیشتری در پیش‌بینی سازش یافتگی ندارند و این امر ضرورت بازننگری در مقیاس دو وجه خودشناسی را مطرح می‌کند.

بر این اساس باید در حرکت به سوی مفهوم سازه‌های سازش‌یافته‌تر و کارآمدتر در فرایندهای عالی خودشناختی، مفهوم سازه‌ها و مقیاسهای توحید یافته‌تر را مورد توجه قرار داد (قربانی، ۱۳۸۳).

این مطالعه از نوع همبستگی بود و بدیهی است برای ارائه استنباطهای علی محکم می‌باید در آینده ارتباط

یافته‌ها با مفروضه اساسی این پژوهش که براساس آن خودشناسی برای کنش‌وری بهینه «خود» ضروری است همخوانی دارد. افزون بر این، هر سه مقیاس فرایندهای خودشناسی نیز به گونه‌ای مثبت با یکدیگر همبسته بودند که این نیز اعتبار آنها را به شکل همگرا تأیید می‌کند.

در بین مقیاسهای خودشناختی، دو وجه خودشناسی در دو فرهنگ با تمامی زیر مجموعه‌های پرسشنامه نظامهای پردازش خبر ارتباط مثبت و قوی داشت، اما این امر در مورد هوش هیجانی و ناگویی خلقی صادق نبود. چنین نتیجه‌ای نشان می‌دهد دو وجه خودشناسی از انتزاع و کلیت بیشتری نسبت به هوش هیجانی و ناگویی خلقی برخوردار است و پردازشهای منسجم‌تر و عالیتری را در مقایسه با دو سازه دیگر می‌سنجد.

یافته‌های پژوهشی بر اعتبار افزایشی دو وجه خودشناسی - در قیاس با نظامهای پردازش خبر عقلانی و تجربه‌ای - در پیش‌بینی سلامت روانی در هر دو فرهنگ صحنه گذاشتند. بررسیهای دیگر نیز اعتبار افزایشی این دو وجه خودشناسی را فراسوی پنج عامل بزرگ شخصیت نشان دادند (قربانی و واتسن، ۲۰۰۴). اعتبار افزایشی دو وجه خودشناسی در کنار ارتباط آن با هر چهار زیر مجموعه مقیاس پردازش عقلانی و تجربه‌ای نشان می‌دهد فرایند خودشناختی‌ای که توسط این مقیاس سنجیده می‌شود ماهیت انسجامی و عالی دارد و کارکرد آن تابع انسجام هر دو نظام پردازش خبر عقلانی و تجربه‌ای است. اما آنچه شایان توجه است تفاوت‌های مشاهده شده در قدرت تبیین وجوه تأملی و تجربه‌ای در سلامت روانی بین دو فرهنگ است. در نمونه ایرانی، خودشناسی قادر به تبیین اضطراب فراسوی نظامهای پردازش خبر نبود و در نمونه امریکایی، این امر در خصوص افسردگی رخ داد. از یکسو، این تفاوتها ممکن است انعکاسی از تفاوت‌های فرهنگی باشند و از سوی دیگر، ممکن است درهم تنیدگی این دو وجه به شکلی باشد که طراحی مقیاسهای همگن‌تر در خصوص خودشناسی را ضروری سازد. به عبارت دیگر، ممکن است درهم تنیدگی وجوه تأملی و تجربه‌ای به حدی باشد که نباید آنها را دو عامل جدا از یکدیگر در نظر گرفت و از

- Davanloo, H. (1995).** *Unlocking the unconscious*. New York: Wiley.
- Ellis, A. (1995).** Rational - Emotive Behavior Therapy. In R. J. Corsini & D. Wedding (Eds.), *Current psychotherapies*. (5th ed., pp. 162-196). Itasca, IL: F. E. Peacock.
- Epstein, S. (1998).** *Constructive thinking: The key to emotional intelligence*. London: Praeger.
- Epstein, S., & Meier, P. (1989).** Constructive thinking: A broad coping variable with specific components. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 332-350.
- Fenigstein, A., Scheier, M. F., & Buss, A. H. (1975).** Public and private self-consciousness: Assessment and theory. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 43, 522-527.
- Gardner, H. (1996).** *Frames of Mind*. New York: BasicBooks.
- Ghorbani, N., Bing, M. N., Watson, P. J., Davison, H. K., & Mack, D. A. (2002a).** Self-reported emotional intelligence: Construct similarity and functional dissimilarity of higher order processing in Iran and the United States. *International Journal of Psychology*, 37, 297-308.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Ghramaleki, A. F., Morris, R. J., & Hood, R. W., Jr. (2002b).** Muslim-Christian Religious Orientation Scales : Distinctions, correlations, and cross-cultural analysis in Iran and the United States. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 12, 69-91.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Bing, M. N., Davison, H. K., & LeBreton, D. (2003).** Two facets of self-knowledge: Cross-cultural development of measures in Iran and the United States. *Genetic, Social, and General Psychology Monographs* 129, 238-268.
- Ghorbani, N., Bing, M.N., Watson, P. J., Davison, H.** نظامهای پردازشی و فرایندهای خودشناختی در قالب کاربردیهای آزمایشی در خصوص تکالیفی که فرایندهای خودشناختی در آنها نقش محوری دارند اعمال شوند، تا میزان احتمالی انسجام بیشتر هر دو نظام پردازش خبر تجربه‌ای و عقلانی در افراد با خود شناسی بالا مشخص شود.
- منابع**
- قربانی، نیما. (۱۳۸۲).** روان درمانگری پویایی فشرده و کوتاه مدت: مبادی و فنون. تهران: سمت.
- قربانی، نیما. (۱۳۸۳).** بازنگری در مبادی معنایی در وجه خود - شناسی. معاونت پژوهشی دانشگاه تهران.
- Arlow, J. A. (1995).** Psychoanalysis. In R. J. Corsini & D. Wedding (Eds.), *Current psychotherapies* (5th ed., pp. 15-50). Itasca, IL: F. E. Peacock.
- Bagby, R. M., Parker, J. D. A., & Taylor, G. J. (1994).** The twenty-item Toronto Alexithymia Scale - I. Item selection and cross-validation of the factor structure. *Journal of Psychosomatic Research*, 38, 23-32.
- Bandura, A. (1999).** Social cognitive theory of personality. In L. A. Pervin & O. P. John (Eds.), *Handbook of personality: Theory and Research*. (2nd ed., pp. 154-196). New York: Guilford.
- Britt, T. W. (1992).** The self -consciousness scale: On the stability of the three-factor structure. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18, 748-755.
- Burnkrant, R. E., & Page, T. J. (1984).** A modification of the Fenigstein, Scheier, and Buss self-consciousness scale. *Journal of Personality Assessment*, 48, 629-637.
- Carver, C. S., & Scheier, M. F. (1981).** *Attention and self-regulation: A control-theory approach to human behavior*. New York: Springer-Verlag.
- Costello, C. G., & Comrey, A. L. (1967).** Scales for measuring depression and anxiety. *The Journal of Psychology*, 66, 303-313.

- Kihlstrom, J. F., & Kline, S. B. (1997).** Self-knowledge and self-awareness. In J. G. Snodgrass & R. L. Thompson (Eds.), *The self across psychology: Self-recognition, self-awareness, and self-concept*. Annals of the New York Academy of Sciences, 818, 5-17
- May, R., & Yalom, I. (1995).** Existential psychotherapy. In R. J. Corsini & D. Wedding (Eds.), *Current psychotherapies*. (5th ed., pp. 262-292). Itasca, IL: F. E. Peacock.
- Meador, B. D., & Rogers, C. R. (1984).** Person-centered therapy. In R. J. Corsini (Ed.), *Current psychotherapies* (3rd ed., pp. 142-195). Itasca, IL: F. E. Peacock.
- Mittal, B., & Balasubramanian, S. K. (1987).** Testing the dimensionality of the self-consciousness scales. *Journal of Personality Assessment*, 51, 53-68.
- Mosak, H. H. (1995).** Adlerian psychotherapy. In R. J. Corsini & D. Wedding (Eds.), *Current psychotherapies* (5th ed., pp. 51-94). Itasca, IL: F. E. Peacock.
- Nystedt, L., & Smari, J. (1989).** Assessment of the Fenigstein, Scheier & Buss self-consciousness scale: A Swedish translation. *Journal of Personality Assessment*, 53, 342-352.
- Overholser, J. C. (1996).** Elements of the Socratic method: V. self-improvement. *Psychotherapy*, 33, 549-559.
- Pacini, R., & Epstein, S. (1999).** The relation of rational and experiential information processing styles to personality, basic belief, and the ratio-bias phenomena. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, 6, 972-987.
- Perls, F. (1969).** *Gestalt Therapy Verbatim*. Moab, UT: Real People Press.
- Robins, R. W., Norem, J. K., & Cheek, J. M. (1999).** Naturalizing the self. In L. A. Pervin & O. K., & LeBreton, D. L. (2003). Individualist and collectivist values: Evidence of compatibility in Iran and the United States. *Personality and Individual Differences*, 35, 431-447.
- Ghorbani, N., & Watson, P. J. (2004).** Two facets of self-knowledge, the five-factor model, and promotions among Iranian managers. *Social Behavior and Personality: An international Journal*, 32, 8, 769-777.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Krauss, S. W., Bing, M.N., & Davison, H. K. (2004a).** Private self-consciousness factors : Relationships with need for cognition, locus of control, and obsessive thinking in Iran and the United States. *Journal of Social Psychology*, 144, 4, 359-372.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Krauss, S. W., Bing, M. N., & Davison, H. K (2004b).** Social science as dialogue: Narcissism, individualist and collectivist values, and religious interest in Iran and the United States. *Current Psychology*. 23, 2, 111-124.
- Ghorbani, N., & Watson, P. J. (2005).** Validity of Experiential and Reflective Self-Knowledge Scales: Relationships with Basic Need Satisfaction among Iranian Factory Workers. *Psychological Reports*,
- Ghorbani, N., Ghramaleki, A. F., & Watson, P. J. (2005).** Constructive Thinking Inventory: Evidence of validity among Iranian managers. *Psychological Reports*, 96, 115-121.
- Ghorbani, N., Ghramaleki, A. F., & Watson, P. J. (2005).** Philosophy, self-knowledge, and personality in Iranian high school teachers and students. *Journal of Psychology: Interdisciplinary and Applied*, 139, 81-95.
- Higgins, E. T. (1996).** The "self digest": Self-knowledge serving self-regulatory functions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 1062-1083.

- sciousness. *Journal of Personality Assessment*, 61, 41-57.
- Watson, P. J., Ghorbani, N., Davison, H. K., Bing, M. N., Hood, R. W., Jr., & Ghramaleki, A. F. (2002).** Negatively reinforcing extrinsic personal religious motivations : Religious orientation, inner awareness, and mental health in Iran and the United States. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 12, 255-276.
- Watson, P. J., Headrick, D., & McKinney, J. (1989).** Dimensions of private self-consciousness and attributional style. *Personality and Individual Differences*, 10, 367-369.
- Watson, P. J., Morris, R. J., & Hood, R. W., Jr. (1990).** Extrinsic factors: Correlations and construction of religious orientation types. *Journal of Psychology and Christianity*, 9 (3), 35-46.
- P. John (Eds.), *Handbook of personality: Theory and Research*. (2nd ed., pp. 443-447). New York: Guilford.
- Rosenberg, M. (1965).** *Society and adolescent self-image*. Princeton, NJ: Princeton University.
- Salovey, P., Mayer, J. D., Goldman, S. L., Turvey, C., & Palfai, T. P. (1995).** Emotional attention, clarity, and repair: Exploring emotional intelligence using the trait meta-mood scale. In J. W. Pennebaker (Ed.), *Emotion, disclosure, and health* (pp. 125-154). Washington, DC : American Psychological Association.
- Seek, D. T. L., (1994).** Assessment of private and public self-consciousness: A Chinese replication. *Journal of Clinical Psychology*, 50, 341-348.
- Watson, P. J., & Biderman, M. D. (1993).** Narcissistic Personality Inventory factors, splitting and self-con-